

# Checking the sexual hygiene involving menstruation and its sequential effects depending on verse 222 of surah Al-Baqarah in Quran

## ARTICLE INFO

*Article Type*  
Research Article

### Authors

Mohammadhossein Saeni<sup>1</sup>  
Azizali Dehghani<sup>2\*</sup>  
Hossein Moradi<sup>3</sup>  
Farhad Edrisi<sup>4</sup>

### How to cite this article

Saeni Mohammadhossein, Dehghani Azizali, Moradi Hossein, Edrisi Farhad, Checking the sexual hygiene involving menstruation and its sequential effects depending on verse 222 of surah Al-Baqarah in Quran, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(1): 99-108.

1. Ph.D. student, Department of Islamic Studies, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
2. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran (corresponding author).
3. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
4. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: mhsaeni@gmail.com

### Article History

Received: 2021/11/27  
Accepted: 2023/02/20

## ABSTRACT

**Purpose:** Islam has expressed comprehensive and general instructions in sexual hygiene field as known as the most important factor of health and prevention of diseases however a verse which is focused solely on sexual hygiene does not exist though in some general verses the matter has been referred which can be used to extract information about sexual hygiene therefor the porous of this article is Checking the sexual hygiene involving menstruation and its sequential effects depending on verse 222 of surah Al-Baqarah in Quran.

**Materials and Methods:** this article will study verse 222 of surah Al-Baqarah in a descriptive and analytical way, sexual hygiene in the menstruation period and its effect in order. The method of info gathering is by using libraries, Quran, medicine and interpretive sources.

**Findings:** in reviewing the verse 222 of surah Al-Baqarah it was determined that menstruation in women's nature acts as a cleaner of the uterus and preparing it for pregnancy. Sexual intercourse with women in this period is unusual, the entry of organic matter to the uterus will cause irritation, uterine infections, bleeding more than usual and infecting the male genital tract and if in this state sperm to be congealed and to consume the infected substance and to grow it will be exposed to diseases and mental disorders.

**Conclusion:** therefore, avoiding sexual intercourse in the state of menstruations is completely a just move and Quran wants Muslims to benefit from divine educational laws rather than unprincipled educational laws in the menstruation period of women.

**Keywords:** sexual hygiene, menstruation period, sexual intercourse, sequential effects, Quran.

## بررسی بهداشت جنسی در مورد قاعدگی زنان و آثار

### تربیتی آن، حول آیه ۲۲۲ سوره بقره در قرآن

محمدحسین صائنی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه معارف اسلامی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

عزیزعلی دهقانی<sup>۲\*</sup>

استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).

حسین مرادی<sup>۳</sup>

استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

فرهاد ادریسی<sup>۴</sup>

دانشیار، گروه معارف اسلامی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

#### چکیده

**هدف:** دین اسلام، دستورات جامع و کاملی در حوزه بهداشت جنسی به عنوان مهم‌ترین عامل سلامتی و پیشگیری از بیماری‌ها بیان نموده است؛ اما آیه‌ای که صریحاً در مورد بهداشت جنسی باشد وجود ندارد، اما در برخی از آیات کلیاتی بیان شده که به وسیله آن‌ها می‌توان بهداشت جنسی را استخراج نمود؛ بنابراین هدف از این پژوهش، بررسی بهداشت جنسی در مورد قاعدگی زنان و آثار تربیتی آن، حول آیه ۲۲۲ سوره بقره در قرآن است.

**مواد و روش‌ها:** پژوهش حاضر در صدد است تا با بررسی آیه ۲۲۲ سوره بقره به شیوه توصیفی - تحلیلی، بهداشت جنسی در دوران قاعدگی زنان و آثار تربیتی آن را دنبال نماید. روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش بر اساس ابزار کتابخانه‌ای و بر اساس قرآن، طب و منابع تفسیری بوده است.

**یافته‌ها:** در بررسی آیه ۲۲۲ سوره بقره مشخص گردید که طبیعت زن در دوران قاعدگی سرگرم پاک کردن رحم و آماده کردن آن برای حامله شدن است، آمیزش جنسی با زنان در این وضع غیرعادی و ورود ماده آلی در رحم، سبب تحریک و عفونت‌های رحمی و خونریزی بیش از عادت می‌شود و به مجرای تناسلی مرد سرایت می‌نماید و اگر در این حال نطفه منعقد شود و از آن مواد عفونی تغذیه و رشد نماید نوزاد بعد از تولد، در معرض بیماری‌ها و اختلال‌های روحی و عصبی خواهد بود.

**نتیجه‌گیری:** بنابراین اجتناب از آمیزش جنسی با زنان در حالت قاعدگی کاملاً عالمانه و حکیمانه است و قرآن از مسلمانان می‌خواهد در دوران قاعدگی زنان، به جای استفاده از قوانین تربیتی غیراصولی از قوانین تربیتی الهی بهره‌مند شوند.

**واژگان کلیدی:** بهداشت جنسی، قاعدگی زنان، آمیزش جنسی، آثار تربیتی، قرآن، آیه ۲۲۲ سوره بقره.

واژگان کلیدی: بارداری مصنوعی، نسب، ارث، فقه و حقوق.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

\*نویسنده مسئول: mhsaeni@gmail.com

#### مقدمه

توسعه صنعت و گستردگی جامعه انسانی تغییرات اساسی را در ساختارهای زندگی انسان‌ها رقم زده است. گرچه این تغییرات بزرگ نحوه دسترسی به امکانات و ارتباطات را برای جوامع انسانی امروز آسان نموده است، اما شیوه زندگی و حیات مادی و معنوی مرسوم گذشته را تحت تأثیر خود قرار داده و با ایجاد تحولات اساسی، مشکلات و مسائل جدیدی در حوزه بهداشت جنسی ایجاد نموده است. موضوعی که جلوه بیشتری آن در کشورهای پیشرفته امروزی همچون برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی قابل‌رؤیت است. کشورهایی که از لحاظ علم و فناوری در میان کشورهای جهان برجسته هستند اما نتوانستند علم و فناوری را در خدمت سلامت و بهداشت جامعه انسانی قرار دهند و بر مشکلات و بیماری‌های جنسی و مقاربتی عیدهای که امروز با آن مواجه هستند فائق آیند. (۱). و در این میان باوجود پیشرفت‌های نظری فراوان دانش پزشکی در حوزه سلامت، تنها تعدادی از بیماری‌های مقاربتی درمان شده؛ اما بسیاری از بیماری‌ها در این زمینه غیرقابل‌درمان هستند. بهداشت جنسی در دنیای کنونی، به پایین‌ترین سطح خود در تاریخ رسید است. پاره شدن پرده‌های پروا، رده‌آورد‌های خطرناک و زندگی سوزی را به دنبال آورده است و لحظه‌به‌لحظه، بر شمار آلودگی‌های جنسی افزوده می‌شود. بر اساس پایگاه‌های جهاد دانشگاهی و سایت‌های بهداشت جهانی سالانه بیش از ۱/۸ میلیون نفر به بیماری‌های مقاربتی از جمله گنوره، کالمیدیا، هرپس، سیفلیس، سوزاک و ایدز و غیره مبتلا می‌شوند؛ و یک اشتباه و تصور نادرستی که بسیاری از افرادی که به این بیماری‌ها مبتلا می‌شوند آن‌ها را مجازاتی از سوی خدا می‌دانند و براین باورند که خداوند با مبتلا کردن آن‌ها به این بیماری‌ها از آن‌ها انتقام می‌گیرد. این باور نه تنها سبب می‌شود که رابطه فرد با خداوند آسیب ببیند، بلکه به تشدید احساس گناه، خشم و نفرت از خود و درنهایت افسردگی منجر می‌شود.

این در حالی است که دین حیات‌بخش اسلام، در قرآن و روایات معصومین (ع) دستورهای فراوانی برای حفظ سلامت و پیشگیری از دچار شدن به بیماری‌ها داده است. اساساً برنامه‌های حیات‌بخش دین اسلام چنان دقیق و علمی است که در هر یک از آن‌ها، نوعی پیشگیری و اعلام خطر نهفته است. چنان‌که خداوند متعال فرموده: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ» (مائده/۱۶) «خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند به وسیله آن [کتاب] به راه‌های سلامت

مقاله جنسیت و خصوصیات آن، اثر هورمون‌های جنسی بر رفتار جنسی و مرحله قاعدگی را مطرح نموده است. مهدی عزتی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «تفسیر طی آیه ۲۲۲ سوره بقره در مورد قاعدگی زنان» ایشان در این مقاله قاعدگی زنان در قرآن را از دیدگاه تفاسیر مختلف، آرای طوائف و مذاهب مختلف درباره قاعدگی زنان، فیزیولوژی تولیدمثل جنس مذکر، اثر هورمون‌های جنسی بر رفتار جنسی و روان‌شناسی قاعدگی را مطرح نموده است.

نورالسادات کریمان و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقاربت در دوران قاعدگی و سرطان گردن رحم» ایشان در این مقاله به روش تحلیلی موردی - شاهدهی بر روی ۱۰۰ نفر خانم مبتلابه سرطان گردن رحم، پژوهشی انجام داده و بیان می‌دارد که مقاربت در دوران قاعدگی احتمال ابتلا به سرطان گردن رحم را افزایش می‌دهد.

مجید دانشگر (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «بهداشت زناشویی و مسائل جنسی از دیدگاه قرآن و طب» به بررسی فیزیولوژی قاعدگی زنان پرداخته است.

اما یکی از زوایای مجهول یا مغفول مانده آیه ۲۲۲ سوره بقره، بحث تربیتی و راهکارهای قرآنی در دوره قاعدگی است. براین اساس، تبیین راهکارهای قرآنی، فقهی و تربیتی در دوران قاعدگی زنان می‌تواند سبب روشن شدن مفهوم آیه یادشده شود. در این آیه فقها و مفسرین فقط به جنبه فقهی و تفسیری پرداخته‌اند و به اثر تربیتی توجه نکرده‌اند؛ بنابراین ضروری به نظر می‌رسد در کنار پرداختن به نکات تفسیری و فقهی به جنبه‌های تربیتی نیز پرداخته شود و راهکارها و روش‌های تربیتی بیان گردد تا بدانیم که چقدر این راهکارها در اصلاح رفتار انسان‌ها مؤثر واقع می‌گردد.

بر اساس بیش توحیدی هر حکم و دستوری که از طرف خداوند آمده است دارای حکمت است و خداوند هیچ حکمی را بدون علت وضع ننموده است. براین اساس، قرآن کریم اولین کتابی است که حکمت کناره‌گیری از آمیزش با زن در دوران قاعدگی را بیان نموده است. مقاله حاضر درصدد آن هست تا به این سؤالات مهم پاسخ دهد که حکمت کناره‌گیری از زنان در دوران قاعدگی و نزدیکی با آنان در حالت پاکی چیست؟ و چگونه می‌توان علت چنین حکمی را تحلیل کرد؟ و آیا قرآن در کنار جنبه فقهی و تفسیری به جنبه‌های تربیتی نیز نظر داشته است؟

#### بهداشت جنسی در اسلام

دین اسلام، دین کامل و جهان شمول است و به همین خاطر برای اینکه انسان بتواند بر خود مسلط شود و قوه عقل را بر قوای جنسی حاکم کند، راهکارهای خاصی به انسان نشان می‌دهد؛ لذا دین اسلام در بهداشت جنسی دستورات خاصی به پیروان خود ارائه داده است تا افراد در درون خانواده از سلامت جسمی و روحی برخوردار شوند.

رهنمون می‌شود» از این رو، اسلام، هر آنچه را برای سلامت جسم یا جان انسان، خطرناک و زیان‌بار، حرام یا مکروه و آنچه را برایش لازم و مفید است، واجب یا مستحب دانسته و آنچه را سود و زبانی برای جسم و جان ندارد، مباح خوانده است. طب پیشگیری، در متن دستورها و احکام پنج‌گانه اسلام آمده است که اجرای کامل و دقیق آن‌ها، می‌تواند در صیانت انسان از بسیاری آسیب‌های جنسی، جسمی و روانی اثرگذار باشد. (۲).

امام رضا علیه‌السلام، درباره حکمت مقررات الهی و آنچه حلال و حرام شده است، می‌فرماید: «إِنَّا وَجَدْنَا كُلَّ مَا أَحَلَّ اللَّهُ فَعِيَهُ صَلَاحُ الْعِبَادِ وَبَقَاؤُهُمْ وَ لَهُمْ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ الَّتِي لَا يَسْتَعْنُونَ عَنْهَا وَ وَجَدْنَا الْمُحْرَمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ بِالْعِبَادِ إِلَيْهِ وَ وَجَدْنَاهُ مُفْسِدًا دَاعِيًا لِلْفَنَاءِ وَالْهَلَاكِ». (۳). ما می‌بینیم هر آنچه خداوند حلال کرده، در آن، صلاح و بقای بندگان است و آنان بدان نیازی گریزناپذیر دارند و می‌بینیم هر آنچه حرام شده است، بندگان، بدان نیازی ندارند و می‌بینیم که [حرام‌ها] موجب تباهی و زمینه نابودی‌اند. در این سخن، امام علیه‌السلام تصریح می‌فرماید که آنچه در مقررات الهی در زمینه‌های مختلف حلال شمرده شده، چیزهایی هستند که مردم برای تأمین سلامت، رفاه و آسایش خود، بدان نیاز دارند و مصالح زندگی و بقای آن‌ها وابسته به آن است و به‌عکس، آنچه تحریم شده، چیزهایی هستند که نه تنها مورد نیاز مردم نیستند، بلکه به زیان سلامت و آسایش آنان و موجب هلاکت آن‌ها می‌باشد.

یکی از آیاتی که خداوند آمیزش جنسی در دوران قاعدگی را تحریم نموده و به صورت منطقی مسلمانان را از آن آگاه نموده آیه ۲۲۲ سوره بقره می‌باشد که خداوند می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هِيَ أَذَى فَأَعْتَرُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره/۲۲۲) «از تو درباره عادت ماهانه [زنان] می‌پرسند، بگو، آن، رنجی است، پس هنگام عادت ماهانه، از [آمیزش با] زنان کناره‌گیری کنید و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند، پس چون پاک شدند، از همان‌جا که خدا به شما فرمان داده است، با آنان آمیزش کنید. خداوند توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد.»

در بررسی پیرامون آیه ۲۲۲ سوره بقره روشن می‌شود که منشاء بسیاری از بیماری‌ها، آمیزش جنسی در دوران قاعدگی است که آثار سوء جسمی و روحی برای زن و مرد از جمله احتمال عقیم شدن زن و مرد و آسیب دیدن نوزاد پس از تولد و بسیاری از بیماری‌های عفونی که در این پژوهش بدان اشاره شده است. در این زمینه پژوهش‌هایی انجام گرفته و هر کدام به ابعادی از علت تحریم بودن آمیزش جنسی در دوران قاعدگی پرداخته‌اند. از جمله:

پژوهش‌هایی که در این زمینه، در بعد فقهی و علمی صورت پذیرفته است، ناصر میرزای (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی علمی علت تحریم مجامعت با همسر حائض از دیدگاه قرآن کریم» در این

سیستم حقوقی معین تنظیم می‌نماید تا فرزندان جامعه به‌طور مشروع پای به دنیا بگذارند و از «سلامتی منشأ» و «ایمنی منشأ» و در نتیجه از سلامت جسم و جان بهره‌مند شوند. اسلام ایمنی و مسائل مربوط به ایمنی را از «منشأ انسانی» و قبل از انعقاد نطفه و آغاز «همسرگزینی» شروع می‌کند و قدم‌به‌قدم با او پیش می‌رود. (۷).

بنابراین بهداشت جنسی عبارت است پای بند بودن به یک سری شئون و موازین اخلاقی و رعایت بهداشت و استفاده از الگوهای مقاربت سالم در زمینه روابط جنسی است.

### قاعدگی زنان در قرآن کریم

قرآن کریم همان‌طور که به بهداشت روحی و روانی انسان اهمیت داده به بهداشت جنسی انسان نیز اهمیت داده و در موارد متعددی قوانین بهداشت جنسی را بیان کرده تا از انحرافات جنسی و از ابتلای انسان به بیماری‌های جنسی و پیامدهای آن‌ها پیشگیری نماید. (۸).

خداوند به انسان کرامت داده و می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ...» (اسراء/۷۰)

«و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] بر نشانیدیم»

این آیه بیانگر آن است که کرامت، نعمت و موهبت الهی به انسان است که او را از سایر موجودات ممتاز گردانید و مایه برتری او نسبت به دیگران هست به همین خاطر در فرهنگ دینی یکی از مهم‌ترین مسائل، حفظ حرمت و کرامت انسانی است. براین اساس هر چیزی که حرمت و کرامت انسان را خدشه‌دار کند پرهیز شده، هر چیزی که موجب حفظ حرمت انسان شود به آن سفارش شده است. یکی از مواردی که خداوند سفارش و حلال نموده، نزدیکی نمودن با همسران در شب‌های ماه رمضان است که خداوند می‌فرماید:

«أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثِ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لَبَاسُكُمْ وَأَنْتُمْ لَبَاسُهُنَّ» (بقره/۱۸۷)

«در شب‌های روزه هم‌خوابگی با زنان بر شما حلال گردیده است آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید»

بنا بر نظر علامه طباطبائی، در ماه رمضان هم‌بستر شدن با زنان قبلاً حرام بوده اما بعد از نزول این آیه حلال شده و حکمت آن را به خاطر مرتکب نشدن به فحشا و اشاعه آن بین جوامع انسانی هست؛ و خداوند نیز در آیه ۲۲۲ سوره بقره نزدیکی با زنان را در دوره قاعدگی را حرام فرموده است، لذا پژوهش حاضر در پی آن است که حکمت اجتناب از آمیزش جنسی با زنان در دوران قاعدگی و تجویز نزدیکی بعد از پاکی و آثار تربیتی آن را مورد بررسی نماید.

برای روشن شدن این موضوع از نظر علمی به فیزیولوژی تولیدمثل جنس مؤنث سپس به فیزیولوژی دوره قاعدگی یا مسئله حیض زنان پرداخته شده است.

در قاعدگی زنان سه غده هیپوتالاموس، هیپوفیز و تخمدان‌ها نقش محوری دارند. غده هیپوتالاموس از نظر تشریحی سیستم عصبی

از مهم‌ترین مسائلی که اسلام بدان توجه داشته است، خانواده‌ای سالم و به‌دوراز هواهای نفسانی است که در آن افراد، با سلامت نفس، کار و تلاش می‌کنند و به بهترین صورت به ستایش پروردگار خویش می‌پردازند. انحرافات جنسی مثل یک کانون آبه‌چرکی در خانواده، مشکلات بسیاری از قبیل بیماری‌های روانی، عفونی و فساد را به دنبال دارد. (۴).

رعایت بهداشت جنسی در روابط زناشویی از دیدگاه اسلام بسیار اهمیت دارد، در صورت رعایت زوجین علاوه از اینکه از رابطه جنسی، لذت بیشتری خواهند برد از بیماری‌های مقاربتی هم محفوظ خواهند ماند و همچنین اگر در جنبه‌های جسمی، روحی، عاطفی، عقلانی، باهم سازش و هماهنگی داشته باشند روابط آن‌ها مستحکم‌تر و زندگی آرام‌تر و لذت‌بخش‌تری را تجربه خواهند نمود. چنان‌که خانم مارابل مورگان در کتاب خود «زن کامل» لذت جنسی را این‌گونه بیان می‌کند: از نظر فیزیکی، نقطه اوج رابطه جنسی بزرگ‌ترین لذت و عظیم‌ترین آرامش در روی زمین است. بسیاری از پزشکان تحقیق کرده‌اند که اوج این موقعیت بدن انسان را دوباره زنده و احیاء می‌کند و سلامتی فیزیکی را به دنبال دارد. چه زمانی عالی‌تر از این! هردوی آن‌ها احساس می‌کنند که خواسته‌شان ارضا و برآورده شده است (۵).

خداوند تعالی به نقش تعامل و سازگاری زوجین و ایجاد آرامش در قرآن می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُفَكِّرُونَ» (روم/۲۱)

«از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا با آن‌ها آرام‌گیرید و میانتان دوستی و عطف قرار داد. قطعاً در این امر نشانه‌ها برای اندیشمندان پدیدار است»

ستیر، ویرجینا در کتاب آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده می‌گوید که برای حفظ و استمرار سلامت و آرامش روانی، اولین نکته تصدیق صریح و درک احساس و جنبه جنسی خویش و جنس مخالف است. عدم توجه به این نکته ممکن است افراد را دچار ناراحتی‌های جدی کند. (۶).

لذا بهداشت جنسی را بدون در نظر گرفتن مسائل جنسی، وزیر بنای آن نمی‌توان تعریف کرد یکی از زیربنای بهداشت جنسی، تمایلات جنسی است. تمایلات جنسی انسان در اثر تعامل، از عوامل مختلفی مثل مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جسمی، روانی و غیره متأثر می‌شود، به همین خاطر سازمان بهداشت جهانی، بهداشت جنسی را به معنای هماهنگی و سازگاری جنبه‌های مختلف انسان، به‌طوری که روابط آن‌ها را مستحکم‌تر و عاشقانه‌تر و پربارتر کند معنا کرده است.

در اسلام و قرآن برنامه ایمنی از آغاز تکوین و تکون انسان شروع می‌شود. اسلام توصیه‌های زیادی در مورد بهداشت جنسی و روابط جنسی دارد. اسلام برای تأمین ایمنی فرد و جامعه، روابط جنسی را مانند هر نوع رابطه دیگر تحت یک اصول و برنامه مشخص با

کنند، از رسول خدا (ص) درباره آن سؤال نمودند، این بود که آیه (۲۲۲) از سوره (بقره) نازل گردیده و با امر به کناره‌گیری از زنان در مدت حیض، روشن ساخت که حیض یک نوع ناراحتی و رنجی است برای زنان. (۱۰).

مرحوم دکتر (عبدالعزیز اسماعیل) که از پزشکان بنام دیار مصر است، می‌گوید، حقیقت این است که افرازاات جسم بر دو نوع‌اند، نوعی از آن‌ها برای جسم فایده را در بردارند، مانند افرازاات غدد هاضمه، غده تناسلی و کافه افرازاات داخلی‌ای که دستگاه‌های مختلفه وجود و انساج آن را تنظیم می‌نمایند که البته این نوع از افرازاات برای زندگی انسان ضروری هستند. اما نوع دیگر، افرازااتی هستند که در داخل جسم دارای هیچ‌گونه فایده‌ای نبوده، بلکه بالعکس افرازاات آن‌ها به خارج از جسم بسیار ضروری است، زیرا این افرازاات، مواد زهره‌ای‌اند که جسم باید خود را از شر آن‌ها نجات دهد و اگر چنانچه در جسم باقی بمانند به آن ضرری بلیغ می‌رسانند؛ بلکه چه‌سا که منجر به هلاکت انسان گردند که نمونه این افرازاات، عبارت است از پیشاب، مدفوع، عرق و حیض است و حکمت خدای عز و جل اقتضا نمود که این افرازاات از جسم زن خارج شوند و در غیر این صورت از طریق تسمّم برای وی کشنده تمام می‌شدند. پس آیا این حیض واقعاً ناراحتی و رنج نیست؟ (۱۰)

دین اسلام نیز برای حفظ و استمرار سلامت و بقای نسل انسان برخورد با زنان مبتلا به حیض را در حدی منطقی و معتدل برای مسلمانان مورد توجه قرار داده است. خداوند می‌فرماید:

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره/۲۲۲)

«از تو درباره عادت ماهانه [زنان] می‌پرسند، بگو، آن، رنجی است، پس هنگام عادت ماهانه، از [آمیزش با] زنان کناره‌گیری کنید و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند، پس چون پاک شدند، از همان جا که خدا به شما فرمان داده است، با آنان آمیزش کنید. خداوند توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد.»

با بررسی در آیه ۲۲۲ سوره بقره و سیاق آیه می‌توان این‌طور بیان کرد که مسلمانان این سؤال را بعد از هجرت از پیامبر اسلام پرسیدند؛ یعنی بعد از معاشرت با یهودیان که تا حدودی با قوانین کتاب تورات آشنایی یافتند، این امر موجب رشد فکری مسلمانان قرار گرفت و برای پاک‌ی از هر نوع آلودگی از مرجع و پاسخ‌گوی سؤالات، یعنی پیامبر اسلام راهنمایی خواستند و پیامبر اسلام بر اساس آیات قرآن رفتار مردان در آمیزش‌های جنسی با زنانشان در اوضاع و احوال متفاوت بیان نموده است، به همین خاطر نزدیکی نکردن با زنان در ایام قاعدگی یکی از آداب همسری محسوب می‌شود؛ زیرا نزدیکی در این ایام بر اساس تحقیقات موجب مبتلا شدن به انواع آلودگی‌ها و سقوط شخصیت انسانی، نسل و اجتماع می‌شود.

آغازگر امر قاعدگی و غده هیپوفیز غده مؤثر در جریان دهی دوره خونریزی زنانه است؛ اما تخمدان‌ها عضو شاخص و اساسی در ساختمان خلقتی زن که در حد محوری عهده‌دار اساس جنسیت اوست تخمدان‌ها هستند. تخمدان‌ها به‌طور قرینه هر یک در طرفی از قاعده رحم در حفره تخمدانی قرار دارند که از بدو تولد در ساختمان بافت استرومایی متراکم و زیر کپسولی آن تعداد زیادی فولیکول اولیه به‌صورت مجموعه‌های سلولی وجود دارد. این سلول‌ها از اعقاب سلول‌های جنسی اولیه بوده که در زمان ولادت نوزاد دختر، به تعداد ۱-۲ میلیون در تخمدان باقی می‌مانند و تا زمان بلوغ رقم آن‌ها به ۳۰۰ هزار کاهش می‌یابد و در نهایت ۴۰۰ تا ۵۰۰ عدد آن‌ها به مرحله تخمک‌گذاری می‌رسند این سلول‌ها در انسان پس از تولد تا زمان تخمک‌گذاری در همین مرحله باقی می‌مانند و به‌صورت یک‌لایه متشکل از ۸ تا ۱۰ سلول تخمک را احاطه می‌کنند. به این ترتیب در آغاز هر سیکل تعداد ۱۲ تا ۱۵ فولیکول از فولیکول‌های اولیه زیر کپسولی که هر یک دارای تخمکی نارس هستند بزرگ‌شده و حفره‌های در اطراف تخمک ایجاد می‌کنند. در انسان یکی از فولیکول‌ها در یکی از تخمدان‌ها حوالی روز ششم سیکل قاعدگی شروع به رشد سریع کرده و به فولیکول غالب تبدیل می‌شود و فولیکول‌های دیگر پژمرده و خاموش می‌گردند که شاید توانایی فولیکول غالب مربوط به ترشح استروژن درون خودش به‌عنوان عاملی برای پیروزی او بر دیگر فولیکول‌ها بوده باشد. فولیکول موفق، اتساع یافته پاره می‌شود و تخمک به درون حفره شکمی می‌افتد و این جریان را فرایند تخمک‌گذاری می‌گویند. این تخم به‌وسیله زوائد شرابه‌های لوله رحمی برداشته‌شده پس از ۳ تا ۵ روز به داخل رحم منتقل می‌گردد که اگر باروری صورت نگیرد تخمک پلاسیده از طریق واژن خارج می‌شود. (۹، ۱۰).

در کتاب «طب در قرآن» آمده است، شرایط داخلی رحم در این موقع بسیار مساعد رشد میکروب‌هاست چون غشای مخاطی رحم (که در حالت پوست‌اندازی و زخم سرباز است) محل نفوذ میکروب‌ها از مهبل می‌شود، رحم نیز دچار التهاب می‌شود و در نتیجه باعث پیدایش دردهای شدید در رحم و احساس سنگینی آن و بالا رفتن تب می‌شود و در صورت شدید بودن التهاب ممکن است به سایر قسمت‌ها هم سرایت کند و در نهایت زن را عقیم نماید و نیز آمیزش موجب احتقان خون شده و خونریزی را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر مردی که در این حالت با زن نزدیکی کند در معرض بیماری قرار می‌گیرد و ممکن است دچار التهاب مجرای بولی شود و گاهی این التهاب به سایر قسمت‌ها از جمله بیضه‌ها سرایت می‌کند. (۱۱).

دکتر عباس نژاد در کتاب «قرآن و طب» می‌نویسد که اعراب، عادت ماهیانه زن را فقط یک نوع افرازا داخلی بدن وی دانسته و بیشتر از این درباره آن معلومات نداشتند، دین اسلام نیز آگاهی کامل در برخورد با زنان مبتلا به عادت ماهانه را در اختیار مسلمانان قرار داده است، پس برای اینکه نسبت به این موضوع آگاهی بیشتر کسب

شدند و نسل آن جماعتی که هر سال یک مرتبه حائض می‌شدند کم شد به اعتبار آنکه خون فاسد می‌شد در رحم و آن جماعتی که همراه حائض می‌شدند به اعتبار استقامت و عدم فساد بسیار شدند؛ و آنکه در زمان حضرت نوح چنین شده بودند ظاهراً به دعای حضرت نوح بود که بر قوم خود کرد که از ایشان فرزند به هم نرسد تأثیر کرد در مسلمانان نیز و نسل ایشان نیز در کمی شد و چون خون جمع می‌شد شهوت زیادتی کرد تا عاقبت حق سبحانه و تعالی همه را به عادت اصلی برد؛ و ممکن است که تا زمان حضرت نوح در هر سالی یک مرتبه حائض می‌شده باشند و چون به دعای آن حضرت عالم هلاک شدند و حکمت اقتضا کرد که توالد و تناسل بیشتر باشد چنان شد که آن زنان را به خود گذاشت تا چنین کردند و چنین شد و الله تعالی یعلم. (۱۸، ۱۵).

همچنان که ذکر شد که کلمه «حیض» مستقیماً در قرآن کریم نیامده؛ اما با مشتقات «محیض» آمده است؛ لذا کلمه «محیض» مانند کلمه «حیض» مصدر «حاضت المرأة - تحیض» است و معنایش جریان خون معروفی است که صفات مخصوصی دارد، و زنان حائض آن صفات را می‌شناسند و چون این مصدر مختص زنان است؛ لذا اسم فاعل آن را مذکر هم می‌آورند و می‌گویند زن حائض، هم چنان که می‌گویند زن حامل؛ و اینکه «محیض» در این آیه اذی خوانده، چون خون حیض که به عادت زنان مربوط است، از عمل خاصی حاصل می‌شود که طبیعت زن در مزاج خون طبیعی زن انجام می‌دهد و مقداری از خون طبیعی او را فاسد و از حال طبیعی خارج نموده و به داخل رحم می‌فرستد تا بدین وسیله رحم را پاک کند و یا اگر جنین در آن باشد، با آن خون جنین را غذا دهد و یا اگر بچه به دنیا آمده ماده اصلی برای ساختن شیر جهت کودک را آماده سازد؛ و بنا بر آن تفسیری که کلمه «أذی» را به معنای ضرر گرفتند، «محیض» را هم به معنای جمع شدن با زنان در حال حیض گرفته و در معنای آیه گفته‌اند، از تو می‌پرسند آیا در چنین حالی جایز است با زنان جمع شد؛ جواب داده شده این عمل ضرر است و درست هم هست؛ چون پزشکان گفته‌اند، طبیعت زن در حال حیض سرگرم پاک کردن رحم و آماده کردن آن برای حامله شدن است و جماع در این حال نظام این عمل را مختل می‌سازد و به نتیجه این عمل طبیعی یعنی به حمل (و به رحم زن) صدمه می‌زند. (۱۹).

همچنین آیه الله طالقانی در تفسیر «پرتوی از قرآن» معتقدند که آمیزش جنسی با زنان در این وضع غیرعادی و ورود ماده آلی در رحم، سبب تحریک و عفونت‌های رحمی، موجب احتقان خون و خونریزی بیش از عادت می‌شود و به مجرای تناسلی مرد سرایت می‌نماید دچار عفونت‌های ادراری و تناسلی مرد شده و اگر در این حال نطفه منعقد شود و از آن مواد عفونی تغذیه و رشد نماید نوزاد پس از تولد در معرض بیماری‌ها و اختلال‌های روحی و عصبی خواهد بود. (۱۰، ۲۰-۲۷).

این آیه، ابتدا به فلسفه حکم اشاره کرد که حیض زنان چیز زیان‌آوری است؛ سپس به مسلمانان دستور داد که در این حالت از هم‌بستری با زنان دوری کنند. همچنان که مرحوم دکتر عبدالعزیز اسماعیل نیز خون حیض را به عنوان سم مسموم‌کننده و افراز مضر و زیان‌آور برای بدن توصیف نموده‌اند.

در قرآن رفتار مردان در آمیزش جنسی با زنانشان در اوضاع و احوال، متفاوت بیان شده است. آغاز این عبارت معنای خیلی روشنی دارد. ممنوعیت داشتن روابط جنسی با زنی حائض صریح است. جزء دوم شخم زدن را به خاطر می‌آورد که بذرافشان، پیش از به زمین نهادن بذری که می‌رود جوانه زند و نبات جدیدی برده‌دهد واقع می‌شود. پس غیرمستقیم از طریق تکیه بر اهمیت دقت در این امر شده که هدف غائی از آمیزش جنسی توالد و تناسل است. (۱۲).

برای روشن‌تر شدن موضوع ابتدا نگاهی به واژه «حیض» و مشتقات آن می‌پردازیم. با بررسی در آیات قرآن به این نتیجه می‌توان رسید که واژه «حیض» در قرآن کریم بکار نرفته، ولی مشتق آن به صورت مصدر «محیض» به کار رفته است. حیض در لغت به معنای سیلان، جریان و جاری شدن است. (۱۳-۱۵). راغب در المفردات «حیض» را به معنی خونی که در وقت و حالتی مخصوص از رحم خارج می‌شود معنی نموده است. برای اینکه مصدر این گونه فعل بر وزن - مفعول می‌آید مثل معاش و معاد؛ و محیض هم یعنی وقت و مکان و خروج خون. (۱۶). در کتاب خلاصه الحکمه «حیض» را به معنی بی‌نمازی زنان و خونی است که غالباً در همراه چند روزی از رحم زنها خارج می‌شود معنا نموده است. (۱۷). مقصود و هدف ما از معنای «حیض» همین است.

صدوق نیز به سندی حسن کالصحیح از حضرت امام محمدباقر صلوات‌الله‌علیه روایت کرده است که خون حیض نجاستی است که حق سبحانه و تعالی زنان را به آن مبتلا کرده است و به تحقیق که زنان در زمان حضرت نوح علیه‌السلام در هر سالی یک مرتبه حائض می‌شدند تا آنکه جمعی از زنان از محل ستر و حجاب یا محال عبادات خود بیرون آمدند و ایشان هفت صد زن بودند که کار ایشان این شد که جامه‌های گلی مانند نارنجی و آل می‌پوشیدند و زینت‌ها می‌کردند و بوی خوش می‌کردند و مردمان به ایشان رغبت می‌کردند تا آنکه از آن شهر نیز بدر رفتند و در شهرها متفرق شدند و با مردان می‌نشستند و در عیده‌ها با ایشان حاضر می‌شدند و در صف‌های مردان جا می‌کردند مجملاً فاحشه شدند پس حق سبحانه و تعالی ایشان را مبتلا ساخت که در همراهی یک‌بار حائض می‌شدند همان زنان و بس پس بسیار بود که در میان مردان نشسته بودند و حائض می‌شدند و فروش ایشان را نجس می‌کردند مردان که این معنی را مشاهده نمودند ایشان را از میان خود بیرون کردند و آن زنان معتاد شدند به آنکه همراه یک مرتبه حیضشان می‌آمد و آن شهوت و میلی که داشتند به مردان شکست و کم شد؛ اما آن زنانی که غیر ایشان بودند عادتشان این بود که هر سالی یک مرتبه حائض می‌شدند پس با یکدیگر وصلت کردند و مخلوط شدند تا آنکه اولاد ایشان بسیار

اگر از دیدگاه علمی و اخلاقی مفاد این آیه را منصفانه بررسی کنیم آن را دستوری همه‌جانبه مناسب می‌یابیم که می‌تواند برای حفظ بهداشت و سلامت جسم و روان مرد و زن مؤثر و کارساز باشد.

#### بررسی

بر اساس کتاب «طب در قرآن» و «قرآن و طب» می‌توان گفت که چون در حالت عادی، مهبل زن به خاطر افزایش خاصیت اسیدی دارد و در این مواقع خودش را از انواع میکروب‌ها حفظ می‌کند؛ ولی در حالت قاعدگی به خاطر وجود خون در مهبل زن، خاصیت اسیدی خودش را از دست می‌دهد و مستعد پرورش انواع میکروب‌هاست، پس رابطه جنسی در ایام قاعدگی موجب تحریک رحم زن شده و عفونت‌های در داخل رحم ایجاد می‌نماید و این عفونت‌ها به مجرای تناسلی مرد سرایت می‌کند و زیان‌های بسیاری به بار می‌آورد که علم پزشکی نیز بر آن صحنه گذاشته که آمیزش در حالت قاعدگی محیط مناسب را برای رشد انواع میکروب‌ها در داخل رحم هست؛ لذا پزشکان، آمیزش جنسی با چنین زنانی را ممنوع اعلام می‌کنند. (۱۰، ۱۱). و بر اساس تفسیر «پرتوی از قرآن» در ذیل آیه مورد بحث می‌توان گفت که نطفه پدیدآورنده وجود انسان است و خلق و خوی انسان وابسته به نطفه هست و اگر نطفه را از آسیب‌های تهدیدکننده حفظ نکنیم و این سرمایه نخستین انسان فاسد شود، نسل انسان دچار آسیب و خسران می‌شود. در این میان یکی از تهدیدات فساد سرمایه نخستین انسان آمیزش جنسی در زمان عادت ماهیانه است در صورت عدم رعایت به انواع بیماری‌های روحی و جسمی مبتلا می‌شود به همین خاطر خداوند در این آیه از عبارت «فَاعْتَرِلُوا حَتَّى يَطْهَرْنَ» استفاده نموده و می‌فرماید تا زمان پاک شدن از حیض از آمیزش جنسی کناره‌گیری کنید و در عبارت «لَا تَقْرُبُوهُنَّ» نیز با نون ثقیله هم تأکید نموده است. به‌طوری‌که خداوند در این آیه حکم به هم‌بستر با زنان در دوران قاعدگی منع نموده و هم تأکید کرده است، ممکن است در این میان برخی از افراد به خاطر غلبه نیروی جنسی احکام و دستورات خداوند را زیر پا نهند و مرتکب گناه شوند؛ اما چون خداوند نسبت به بندگان رئوف و مهربان است راه بازگشت از گناه را به روی بندگان بسته و یادآوری می‌کند که اگر توبه کنید مورد لطف خداوند متعال قرار می‌گیرید. خداوند در این آیه علاوه از بیان آسیب‌های نزدیکی با زنان در دوران قاعدگی، توبه را نیز به‌عنوان یک راهکار تربیتی برای اصلاح رفتار انسان‌ها مطرح نموده است. (۲۰).

#### شرایط رفع حرمت مقاربت بعد از دوران قاعدگی

فقها خلاف کرده‌اند در آن‌که غایت و وجوب اعتزال مردان از مجامعت زنان در حیض و تحریم مجامعت ایشان اغتسال است یا انقطاع دم، اکثر اصحاب فقهای شیعه برآنند که غایت و وجوب اعتزال و تحریم مجامعت انقطاع دم است و غایت استحباب اعتزال و کراهت مجامعت اغتسال. (۲۸). فقها در این مورد دیدگاه‌های

متفاوتی دارند و اکثر فقهای شیعه تحریم آمیزش با زنان در این حالت را پاک شدن از خون حیض می‌دانند به‌طوری‌که شبیری زنجانی در جواز مقاربت بعد از حیض دو قول مطرح نموده است: قول اول: غایت حرمت مباشرت، نقای از خون حیض است. دوم: حرمت مباشرت تا زمان غسل کردن ادامه دارد. ولی قرائت شایع فعلی قول اول است. بنا بر قرائت فعلی قرآن شریف، این سؤال مطرح است که صدر آیه می‌فرماید: غایت «لَا تَقْرُبُوهُنَّ» نقای از دم است و ذیل آیه «تَطْهَرْنَ» را موضوع قرار داده است، چگونه بین صدر و ذیل آیه شریفه جمع کنیم؟ جواب آن بر دو مبنای فوق چه هست؟ کسانی که قائل‌اند اغتسال شرط است ممکن است جواب دهند که در قسمت اول نفرمود «حَتَّى يَطْهَرْنَ» چون ممکن بود این توهم به وجود آید که در حیض هم مانند استحاضه غسل به‌تنهایی مصحح جواز مقاربت است و انقطاع دم در حائض همانند مستحاضه شرط نیست؛ بنابراین فرمود «حَتَّى يَطْهَرْنَ» که باید دم قطع شود تا اغتسال، مصحح مباشرت باشد؛ و کسانی که قائل‌اند انقطاع دم در رفع حرمت کافی است، سه گونه می‌توانند جواب دهند، اول: امر به اتیان دلالت می‌کند بر اینکه هیچ حزازی در متعلق امر نیست. درحالی‌که بعد از انقطاع دم، حرمت برداشته می‌شود؛ ولی کراهت باقی است و «فَإِذَا تَطْهَرْنَ» برای آن آمده که بعد از اغتسال می‌توانید مباشرت کنید و در آن کراهتی هم نیست. دوم: می‌توان گفت در «فَاتَّوَهُنَّ» ترغیب به مباشرت نیز هست؛ یعنی بعد از اغتسال دیگر آثار حیض برداشته‌شده و به حالت قبل حیض برمی‌گردد که مباشرت مستحب بود. همانند «إِذَا حَلَّتُمْ فَاصْطَادُوا» که یعنی حکم صید به همان حالت قبل از احرام برمی‌گردد و هر حکمی که قبلاً داشت، بعد از خروج از احرام به همان حکم برمی‌گردد. سوم: مراد از «حَتَّى يَطْهَرْنَ» از حدث حیض باشد که به‌وسیله اغتسال این طهارت حاصل می‌شود، البته این احتمال بعید است (۲۹-۳۲).

#### بررسی

- در این آیه پرسش توسط مسلمانان از حالت زنان صورت پذیرفته و قرآن هم مطابق سؤال، آن را به‌عنوان آزاری خاص، جواب داده که وظیفه شما عدم آمیزش جنسی در دوران قاعدگی و اطاعت از فرمان الهی است.

- جمله «مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ» این آیه بیانگر آن است که خداوند در مسائل جزئی هم برای بندگان پیام دارد و شاید برای این باشد که در بین جوامع آن روز مردان، زن خود را به‌عنوان دارایی خود قلمداد می‌کردند که مرد مختار است هرگونه بخواهد با او رفتار نماید؛ اما خداوند در این آیه به مسائل جزئی هم اشاره دارد و به مسلمانان دستور می‌دهد که مطابق فرمان و دستور الهی عمل نمایند.

- خداوند متعال انسان را در بهترین ساختار خلق نموده و استعدادها و ظرفیت‌های متنوعی در نهاد انسان قرار داده است و برای اینکه کرامت انسان را بالا ببرد، انسان را به خودش نسبت داد و به فرشتگان دستور داد که در مقابل او تعظیم کنند؛ و این کرامت بالقوه

احسن راهنمایی می‌کند و به‌عنوان بهترین الگو در دسترس انسان قرار دارد.

یکی از حیطه‌هایی که در قرآن قابل‌بررسی و الگو‌گیری برای مخاطبان است حیطه نزهت بیانی خداوند متعال در آیات قرآن است که انسان با الگو‌گیری از سبک و متد کلام خداوند در قرآن می‌تواند راه درست و هدف نهایی خلقت که همان کمال است را بی‌یابد. (۳۹).

قرآن کریم در طرح مسائل جنسی با مخاطبان خود با کنایه سخن گفته تا مخاطبان به اصل حیا و نزهت کلامی قرآن توجه بیشتری نمایند و اثر تربیتی آن در زندگی‌شان منعکس شود.

در متون اسلامی، در بحث از مسائل جنسی بیشتر از استعارات استفاده می‌شود، یعنی از کلماتی که به‌طور صریح بر این روابط دلالت دارد استفاده نمی‌شود برای مثال، در قرآن برای اشاره به روابط جنسی از کلماتی مانند «مباشرت» به معنای تماس بدنی و پوستی دو نفر، «لباس بودن برای هم» و «رفت» به معنای انواع لذت جنسی زن و مرد از هم استفاده شده است. (۴۰).

قرآن کریم در آیه ۲۲۲ سوره بقره در سه مرحله تعبیر کنایی بکار برده است:

**مرحله اول:** «فَاعْتَزِلُوا» «اعتزال» به معنای کناره‌گیری است. (۳۵،۳۳). اعتزال به معنی کناره‌گیری و در اینجا کناره‌گیری از هم‌بستر شدن. (۱۴). علامه طباطبائی در تفسیر المیزان نوشته که اعتزال به معنای عزلت گرفتن و دوری‌گزیدن از معاشرت است و نیز ترک نزدیکی از محل خون است. (۱۹). شاهرودی نیز نوشته، اعتزال به معنی کناره‌گیری است. اعتزال با اضافه به زن در فقه به کاررفته است که مراد از آن، گاه خصوص عدم آمیزش با زن است و گاه علاوه بر آن، جدا کردن رختخواب و محل خواب نیز اراده می‌گردد. (۴۱).

بنابراین مراد از اعتزال در آیه شریفه کناره‌گیری از جماع است و چون دأب قرآن این است که در این‌گونه موارد تصریح به مجامعت نمی‌کند؛ بلکه از آن به کنایات تعبیر می‌نماید.

**مرحله دوم:** «لَا تَقْرَبُوهُنَّ» قرب خلاف بعد است. (۱۶) علامه طباطبائی نیز در تفسیر المیزان کلمه «قرب» را در مقابل (بعد) آورده است. (۱۹). قرب و بعد یعنی نزدیکی و دوری، نقطه مقابل هم هستند. (۱۶). ماده «قرب» در آیات قرآن بیشتر بکار رفته؛ ولی در مورد مسائل جنسی فقط یک مورد در آیه ۲۲۲ سوره بقره با عبارت نهی به کاررفته است.

در مجموع می‌توان گفت که «لَا تَقْرَبُوهُنَّ» جنبه کنایه‌دارند، نه تصریح و مراد از آمدن زنان و نزدیکی با ایشان نزدیکی از محل خون است فقط، نه مطلق مخالفت و معاشرت و نه مطلق تمتع و لذت‌گیری از آنان. (۱۹).

**مرحله سوم:** «أُتُوهُنَّ» اتیان به معنی آمدن و آوردن هر دو آمده است در قرآن مجید اغلب به معنی آمدن بکار رفته و به معنی آوردن خیلی کم آمده است. (۴۲). الإتیان، به‌آسانی آمدن و

در تمام انسان‌ها وجود دارد؛ اما انسان‌ها از این موهبت الهی غافل هستند، از این‌رو خداوند بر حفظ کرامت انسانی نهی‌ها و منع‌هایی را در قرآن کریم برای انسان بیان نموده است، چون علم و قدرت انسان محدود است و از تشخیص ضرر و منفعت خویش ناتوان است یا آگاهی‌اش اندک است و یا آگاهی دارد؛ اما غریزه جنسی حاکم شده و اراده‌اش را تضعیف نموده و توان مقابله با خواهش‌های نفسانی را از دست داده در چنین موقعی عقل به حاشیه کشانده می‌شود از مدار عقلانیت خارج می‌گردد ضرر و منفعت خود را نمی‌بیند. قرآن برای کنترل و تعدیل غریزه جنسی و عدم طغیان آن مخاطبان خود را آگاهی می‌دهد، چون رسالت دین زمانی برای آگاهانیدن و زمانی هم تقویت انسان در مقابل نیروی شهوانی است؛ لذا آیه مورد بحث هم آگاهانیدن انسان و هم قوی ساختن انسان در مقابل نیروی شهوانی است.

### آثار تربیتی بهداشت جنسی در دوران قاعدگی

برای بررسی آثار تربیتی قرآن در دوران قاعدگی لازم است ابتدا معنای تربیت روشن‌تر شود. تربیت یعنی رشد دادن، پرورش، پروردن، پروراندن، ادب و اخلاق به کسی یاد دادن است (۳۵،۳۴،۳۳) تربیت در اصطلاح به معنای، استعدادهای بالقوه در یک شیئی موجود است را به فعلیت درآوردن و پروردن است. (۳۶). تربیت به معنای عام، پروراندن هر چیزی است به‌گونه‌ای که شایسته آن است و این معنای جمادات، نبات، حیوانات و انسان‌ها را نیز شامل می‌شود؛ اما موضوع تربیت در آدمیان، نفس انسانی است که از آن، به قول خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب «اخلاق ناصری»، به‌طور ارادی، افعال زیبا و پسندیده یا زشت و مذموم صادر تواند شد. (۳۷). نکته قابل‌توجه، موازی بودن بار معنایی «تربیت» و «تزکیه» در قرآن است. خداوند تنها راه سعادت و خوشبختی بشر را تربیت صحیح و تزکیه درون از هوای نفسانی و رذایل اخلاقی معرفی کرده و نتیجه بی‌توجهی به این مهم را هلاکت و بدبختی حتمی می‌داند. (۳۸).

دین اسلام آیین‌نامه هدایت و روشنگری زندگی انسان است و به مسائل تربیتی و اخلاقی از جمله تربیت جنسی بی‌تفاوت نیست و برای اینکه مخاطبان در این زمینه هدایت یابند از روش‌های متنوع تربیتی استفاده نموده است که در ذیل به آثار آن در آیه ۲۲۲ سوره بقره اشاره شده است.

برای تحدید دامنه پژوهش و نیل به نتیجه مطلوب، بررسی و تحلیل یک نوع از آثار تربیتی آیه ۲۲۲ سوره بقره از جمله نزهت بیانی قرآن در طرح مسائل جنسی مطمح نظر نگارندگان خواهد بود تا با بررسی و تحلیل آن، ضمن معرفی آثار تربیتی از طریق تفاسیر قرآن نتایج حاصل از تحقیقات صورت گرفته ارائه شود.

### آثار تربیتی نزهت بیانی قرآن در طرح مسائل جنسی

خداوند قرآن را به‌عنوان کتاب هدایت، برای هدایت و اصلاح جامعه نازل نموده است، انسان‌ها را در تمام مراحل زندگی به نحو

خودش بیان نموده است. تا مخاطبان قرآن در گفتار و رفتار به اصل حیا توجه داشته باشند.

### نتیجه‌گیری

-بهداشت جنسی در روابط زناشویی از دیدگاه اسلام بسیار اهمیت دارد و به یک سری از شئون و موازین اخلاقی که زوجین در زمینه روابط جنسی باید پایبند باشند که روابط بین فردی تقویت شود تا از لذت جنسی برخوردار شوند.

- عادت ماهیانه زن فقط یک نوع افراز داخلی مانند پیشاب و مدفوع محسوب می‌شود که حکمت خداوند اقتضاء نموده که این افراز از جسم زن خارج شود.

-از بررسی در آیه ۲۲۲ سوره بقره روشن می‌شود که آمیزش جنسی در عادت ماهیانه که رحم زن در این دوره سرگرم پاک کردن و آماده کردن آن برای حامله شدن است آمیزش در این حال نظام این عمل را مختل می‌سازد و به نتیجه این عمل طبیعی یعنی به حمل (و به رحم زن) صدمه می‌زند.

- در حالت عادی مهبل زن به خاطر خاصیت اسیدی بودن، خودش را از انواع میکروب‌ها حفظ می‌کند؛ ولی در حالت ماهیانه به خاطر وجود خون در مهبل خاصیت اسیدی‌اش را از دست می‌دهد و محیط مناسب برای رشد انواع میکروب‌ها و بیماری‌های آمیزشی هست.

- بر اساس متون تفسیری آمیزش جنسی در حالت قاعدگی زنان علاوه از اینکه تفرآور است آسیب‌های زیادی از جمله احتقان خون، خونریزی بیش‌ازحد، تحریک و عفونت‌های رحمی، التهاب اعضای تناسلی زن، وارد شدن خون‌آلوده به داخل عضو تناسلی مرد، احتمال عقیم شدن زن و مرد و فساد نطفه و نسل می‌شود. پس تحریم حکم نزدیکی با زنان در این حالت کاملاً حکیمانه است.

-فقها در مورد شرایط رفع حرمت مقاربت بعد از دوران قاعدگی اختلاف نظر دارند اما اکثر فقهای شیعه تحریم آمیزش با زنان در این حالت را پاک شدن از خون حیض می‌دانند ولی بسیاری از فقهای غیر شیعی معتقدند که حرمت مباشرت تا زمان غسل کردن ادامه دارد.

-پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته از بعد فقهی و علمی بوده است اما پژوهش حاضر علاوه از آن‌ها بعد تربیتی را هم موردبررسی قرار داده و توصیه می‌شود که برای اصلاح رفتار به جای استفاده از قوانین تربیتی غیراصولی از قوانین تربیتی الهی استفاده شود.

به سیلاب ریزان می‌گوید، اُتیّ و اُتاوی، مرد غریب را هم به جهت همین شباهت معنی (اُتاوی) گویند که دائماً در حرکت است و جایی برای اسکان ندارد. (۱۶).

«فآتوهن» امر ارشادی، مین حیث امرکم الله، هدایت در جهت امر تکوینی است تا هر مؤمن با بصیرت، ناظر به امر و هدایت خدا باشد و انگیزه شهوات و طغیان‌ها او را از امر تشریحی و مسیر تکوین منحرف ننماید. حیث، دلالت به شرایط و زمان و محل دارد. آن‌چنان‌که اگر به شخصی، بذر و آلات کشت و تولید و زمین مستعد واگذار شود، همین امر صریح و عملی است که باید با نظر به شرایط زمان و مکان، آلات کشت را بکار برد و بذر را در زمین آماده‌شده بپاشاند؛ و تعطیل وسایل و انحراف و غفلت از شرایط آن، سرپیچی از امر و موجب مؤاخذه است. (۲۰).

آیه الله طالقانی عبارت «اتوهن» را امر ارشادی دانسته است، بهتر است در مورد درک معنای ارشاد کنجکاوی صورت پذیرد، زیرا واژه ارشاد در امر تربیت و اهداف تربیتی اهمیت بسزایی دارد و می‌دانیم که به‌وسیله تعلیم و تربیت رشد صورت می‌پذیرد و بر اساس متون اسلامی ارشاد به معنای رشد دادن است و ارشاد با هدایت معنای نزدیک به هم دارند و گاهی مترادف یکدیگر بکار می‌روند و اهتمام به هدایت ما را در امر تربیت نیرومندتر می‌سازد. پس رشد همان هدایت است که آیه الله طالقانی نیز نوشته که رشد همان هدایت در جهت امر تکوینی است؛ و انسانی که از لحاظ عقلانی تربیت‌یافته باشد مطیع اوامر و دستورات الهی می‌گردد و شهوات در وجودش کم‌رنگ‌تر خواهد بود؛ و از امر تشریحی سرپیچی نمی‌کند. (۲۰)

علامه طباطبائی می‌فرماید که «اتوهن» امری است جوازی به خاطر اینکه بعد از نهي واقع‌شده و می‌خواهد به‌طور کنایه بفهماند، بعد از پاک شدن و یا غسل کردن زن، نزدیکی کردن با او جایز است و این ادبی است الهی و لایق به قرآن کریم و اگر امر نامبرده را مقید کرد به قید «أمرکم الله» برای این بود که آن ادب را تکمیل کرده باشد. (۱۹).

پس به‌طورکلی می‌توان گفت که خداوند کمال مطلق است و این‌یک امر بدیهی است و کسی که صاحب این صفات است در تمام افعال و الفاظی که به کار می‌برد از بهترین و کامل‌ترین آن استفاده می‌کند و از الفاظ صریح و قبیح خودداری می‌نماید. اگر به سراسر قرآن کریم نظر کنیم نزاهت بیانی در محتوا و الفاظ قرآن را مشاهده می‌کنیم حتی قرآن ناگوارترین پیام خود را با رعایت موازین ادبی به مخاطبان

### References

1. Navabakhsh M, et al. The Role of Religion and Religious Religion in Mental Health. Winter. 2006;4.
2. Amimi A. Medicine in Islam. Qom: Aghl Office, Islamic Research Center; 2008.
3. Majlesi MB. Bahar al-Anwar. Beirut: Alvafa Institute; 1404 AH.
4. Nurizadeh S. On the other side of the verses, an attitude on the medical miracles of the Qur'an. Qom: The Verse of Love; 2004.
5. Morgan M. Full Woman. Translated by Alinia P, Khojasteh. Tehran: Khojasteh Publishing; 2019.

6. Satir V. Humanization in Family Psychology. Translated by Bireshk B. Tehran: Roshd Publishing; 1991.
7. Razavi M. Safety in Islam. Tehran: Research and Education Center; 2001.
8. Reza'i Esfahani MA. Interpretation of the Qur'an Mehr. Qom: Researches on Interpretation and Quranic Sciences; 2009.
9. Jurkowski. Ovarian Hormone. Translator Faqih F. Tehran: Naron Publishing; 1978.
10. Abbasnejad M. Quran and Medicine. Mashhad: Foundation for Quranic Research in Seminary and University; 2006.
11. Diab A, Gharghose A. Medicine in the Quran. Translated by Cheraghi G. Tehran: Hefzi Publishing; 1992.
12. Bucaille M. Comparison between Torah, Bible, Quran and science. Translated by Dabir Z. Tehran: Islamic Culture Publication; 2002.
13. Mughniyeh MJ. Translation of Kashif's Exegesis. Qom: Book Park; 1999.
14. Jafari Y. Commentary on Kauser. Qom: Hijrat publications; 1998.
15. Majlisi MT. Lavameh Sahibqorani al-Mashtar as al-Faqih. Qom: Ismailian; 1414 AH.
16. Ragheb Esfahani HM. Vocabulary words of the Quran. Tehran: Al-Muktab al-Mortazawiyah La Haya Athar al-Jaafariyah; 2009.
17. Aghili Alavi Shirazi MH, Mohammad Hossein. Summary of Al-Hikma. Qom: Ismailian; 2006.
18. Bin Babveyeh MA. Man la yahzarah ol faghiih. Translated by Faghary S. Tehran: Sadogh publication; 1989.
19. Tabataba'i MH. Tafsir al-Mizan. Translator Mousavi Hamedani MB. Qom: Islamic Publications Office; 1984.
20. Taleghani SM. A Ray of the Qur'an. Tehran: Publishing Joint Stock Company; 1971.
21. Malekzadeh F. General Microbiology. Tehran: Aghiq Publications; 1997.
22. Khosravi A. Medical mycology. Tehran: Academic Jihad; 1992.
23. Adibfar P. Medical microbiology. Tehran: Noor danesh publication; 1995.
24. Sepehr S. Microbiology. Tehran: University Publishing Center; 2002.
25. Majdy S. Joutez Microbiology. Tehran: Esharat Publications; 2001.
26. Peyghami E. Complementary mycology. Tabriz: Ehrar publication; 1998.
27. Emami M. Medical mycology. Tehran: Tehran's university publication; 1997.
28. Gorgani AF. His royal interpretation of Ayat al-Ahkam. Tehran: Navid; 1984.
29. Shobeiri Zanjani M. Marriage Book. Qom: Rey pardaz Research Institute; 2004.
30. Qutb al-Ravandi SBH. Fiqh al-Qur'an, Description of Verses of al-Ahkam. Qom: Library of Verse of Allah Marashi Najafi; 1405.
31. Kazemi JBM. Masalak al-Afham il Verses of Ahlakam. Tehran: Mortazavi Bookstore; 1986.
32. Moghadas Ardebili AMB. Zobdeh al-Bayan fi Ahkam al-Qur'an. Tehran: Mortazavi Bookstore; Bi-Ta.
33. Amid H. Persian Culture. Tehran: Amir Kabir; 1982.
34. Moein M. Persian Culture. Tehran: Amir Kabir; 1981.
35. Jor K. Culture of Laros. Translated by Tabibian H. Tehran: Amir Kabir; 1997.
36. Motahari M. Education in Islam. Tehran: Sadra; 2000.
37. Tusi KN. Ethic Naseri. Tehran: Kharazmi; 1977.
38. Mohammadi Ray Shahri M. Wisdom letter of the Greatest Prophet (PBUH). Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute; 2007.
39. Mashriqi Arani A. Expressive Nazah of the Qur'an and the Effects of Its Education. Golestan: Nowruz Publications; 2018.
40. Salarifar MR. Family in Islamic and Psychological Attitudes. Qom: Seminary Research Institute and University; 2014.
41. Hashemi Shahroudi M. Culture of Jurisprudence in accordance with the religion of the Ahl al-Bayt. Qom: Institute of Encyclopedias of Islamic Jurisprudence on the Religion of the Ahl al-Bayt; 2007.
42. Qureshi AA. Qamus Qur'an. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya; 1997.